

نویسنده : جان اوبیرگ (John Oberg).  
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ «2018-04-14».  
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

---

## تقییح تجا وز ایالات متحده امریکا به سوریه: حمایت از مردم سوریه ، حقوق بین الملل و صلح پایدار واقعی

*Condemning the US led aggression on Syria : in support of the Syrian people ,  
international law and true peacemaking*

بیانیه توسط انجمن بین المللی پژوهش برای تامین صلح در آینده  
*Statements by associate of TFF the transnational foundation for peace  
and future research*



- 1-** حملات موشکی ایالات متحده امریکا، بریتانیا و فرانسه به سوریه در «14» اپریل «2018» یک رخداد واضح و غیر قابل انکار، تخطی از قوانین پذیرفته شده بین المللی و بویژه عدم رعایت از منشور ملل متحد میباشد. که این خود در واقعیت امر آغاز یک جنگ داخلی یکجانبه بدون اخذ مجوز از شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده میتواند.
- 2-** حضور نیروهای مسلح غیرسوری در سوریه با داشتن دسترسی با هر نوع امکانات تسهیلاتی که دارند همانا نیروهای نظامی روسیه و ایران است که این قوتها بدعوت رسمی دولت قانونی سوریه به اینجا آمده اند که البته حضور این نیروها در سوریه حسب مفاد ماده (51) منشور ملل متحد میباشد؛ ماده ای که در آن چنین تذکر داده شده

است « یک کشور بخاطر دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی خود وقتی از طرف کشور دیگری تحت تجاوز قرار میگیرد حق دارد که در دفاع از خود از کشورهای دیگر درخواست کمک نظامی کند. »

**3- جنگ کنونی در سوریه هرگز عمدتاً یک جنگ داخلی نبوده است ، بلکه این جنگ یک جنگ بین المللی است که توسط ده ها هزار ستیزه جویان جهانی و تروریست ها که توسط عربستان سعودی و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس و شیخنشینان منطقه و غرب حمایه و مسلح میشوند پیشبرده میشود.**

افزون بر آن این جنگ نتیجه ویا پیامد از یک سلسله درگیری ها و خصومت های دیرینه ای چندین دهه قبل از طرفهای درگیر درد شمنی و خصومت در داخل و در اطراف سوریه و منطقه میباشد که این جنگ توسط حلقهات جنگ طلب بزرگ خارجی و بویژه توسط «ناتو» تحمیل شده است، تا جاییکه این نیروهای اهریمن بخاطر منافع خود به همچو خصومت ها و درگیری ها تا که میتوانند دامن میزنند و دامنه این جنگ را گسترش میدهند تشخیص این اختلافات خشونت بار و پیشگیری از وقوع جنگ تا جایی هم امکان پذیر است که در اثر مساعی حلقهات صلحجو صورت گیرد ولی جلوگیری از وقوع جنگ برای حلقهات جنگ طلب که منافع شان در آن مضمحل است چندان مورد علاقه شان قرار نمیگیرد بخصوص برای مجتمع های نظامی صنعتی رسانه ای علمی که بخاطر فروش سلاح ها و مهمات جنگی و مخابراتی نظامی خود همیشه در تنور خصومت ها و درگیری ها هیزم خشک می ریزند.

**4- حتی اگر کسی ویا اگر کسانی چنین تصور کنند که دولت سوریه وریس جمهور سوریه ، تنها اصلی ترین ، مجرمتترین و بدترین نقض کننده ای حقوق بشر در این سیاره است اشتباه کرده ویا تصور او ویا آنها درست نیست. چونکه در طول این مدت هفت سال گذشته دولت های غربی خلاف قوانین قبول شده بین المللی با دولت سوریه چنان برخورد وحشیانه و غیر مودبانه و خصمانه نموده اند که تاریخ آنرا به یاد ندارد تا جاییکه در اثر این چنین برخوردها در حدود بیش از (400) هزار انسان این سرزمین جان های شریین خود را از دست دادند نیمی از نفوس غیر نظامیان در داخل وطن آواره و بیجا شدند و میلیون ها انسانان دیگر سوریه به مهاجرت های اجباری مجبور به ترک وطن شدند و به کشورهای غربی و اروپایی مهاجرت کردند ، اکثر بخش های این کشور با فرهنگ و با تمدن با داشتن تاریخ (7000) ساله خود بخاک و خون کشیده شد و به ویرانه مبدل گشت که این همه سیاه روزی و بدبختی ها ارمغان از نیروهای جنگ طلب غرب و بیگانگان بود که نصیب مردمان این کشور گردید .**

**5- یک مثال دیگر از این سیاست های مذبحخانه غرب و شرکا جرمش را در اینجا بخاطر تنویر شدن ذهن شما در میان میگذارم و ان برای اینکه از تا مین صلح در این**

کشور پیشگیری صورت گیرد در ما رگره مراکش تعداد تحت نام «دوستان سوریه» را تصمیم بر آن شد که بخاطر برکناری دولت قانونی کنونی در (12) دسامبر سال (2012) به ایجاد یک پارلمان از جمعیت (24) میلیون نفری سوریه (300) نفر را طبق یک حکم بعنوان نماینده بدون آنکه از مردم در مورد این نماینده ها نظر خواهی کنند دست زدند.

**6- مثال دیگر قابل توجه اینکه ترکیه عضو «نا تو» و سایر متحدان غربی امریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس و عربستان سعودی با اتفاق نظر با هم تصمیم گرفتند که به شورشیان و ترمرد کنندگان و مخالفین و تروریست ها در مخالفت با دولت سوریه به آنها کمک های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی نمایند. بخصوص که کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده امریکا از سالان بسیار طولانی گذشته یعنی قبل از آغاز جنگ در سوریه تروریست ها را در تحت حمایت همه جانبه خود داشت و از آنها بعنوان ابزار و وسایل برای مقاصد خود کار می گرفت، تا جاییکه همین اکنون نیز کار میگیرد - امریکا و متحدان غربی آن در ظاهر امر داعشی ها را مورد حمایت خود قرار نمیدهند و آنهم به نسبت که داعشی ها توسط نیروهای روسی در سوریه کاملاً شکست خورده اند باقی از همه تروریست ها و مخالفین دولت سوریه حمایت همه جانبه مینمایند.**

**7- مورد خاص دیگری که غرب و بخصوص ایالات متحده امریکا برای حمله موشکی اخیر خود توجهی میکند همانا آنها م بستن به دولت سوریه است که گویا دولت سوریه سلاح های شیمیایی خود را در دوما بکار برده است و دونالد ترومپ این موضوع را در تویت خود تویت نمود و همه رسانه های مزدور را واداشت تا به این گونه تبلیغات زهر آگین پردازند حالانکه علت اصلی این نوع برخورد همانا شکست تمام شورشیان و مخالفان و تروریست های تحت حمایت غرب در غوطه ای شرقی آخرین مرکز تجمع این شورشیان بود که موجب ناامیدی و ناگامی غرب و امریکا گردید و بر آتش قهر ترومپ نفت ریخت تا جاییکه دونالد ترومپ در تویت خود بشر الاسد را بعنوان حیوان خطاب کرد و به روسیه و ایران گوشزد کرد که مسولیت این همه ناهنجاری ها بدوش شماها میباشد و شماها در مورد پاسخ گوی عمال خود خواهید بود. از جانبی همچنان شکست غرب در غوطه شرقی غرب و بخصوص امریکا و رهبری کاخ سفید را آنقدر هیجانی و طغیانی ساخت که حتی منتظر نتایج ارزیابی و تحقیق سازمان ممنوعیت سلاح های شیمیایی نماند و بدون مجوز کنگره و منشور ملل متحد بگونه وحشیانه به حملات موشکی خود سوریه را تحت ضربه قرار داد و خلاف موازین بین المللی که در آن آمده است « مجازات نباید پیش از تثبیت محکومیت حقوقی ویا مرعی الاجرا باشد» عمل کرد**

**8-** عا ملان این تجا وز به سوریه بدون رعایت قوانین و موازین پذیرفته شده ای بین المللی به نحوه از آنجا خطر بزرگی را متحمل شده اند. که شاید باعث افزایش خشونت ها و درگیری ها در کشورهای دیگر شود. لذا کشورهای اعم از عربستان سعودی ، اسرائیل کشور های حوزه خلیج فارس ، ایران و حتی روسیه و اعضای « ناتو » و ترکیه باید در این لحظه حساس از تاریخ به این نتیجه با هم برسند که « به اندازه کافی کافی است » و نگذارند که جهان بخطر مواجه شود و آتشی که در این کشور در گرفته است نباید که دامنه ای این آتش به منطقه و از آنجا به جهان گسترش یابد. تا جایکه این اختلافات و درگیری های بیش از حد ثمره سیاست های ناسنجیده شده غرب و استعمار گران طی قرن میا شد.

**9-** باید دانست که چرا این حمله و یا تجاوز کاملاً غیر قابل قبول و بخصوص که امروز از هر جهت نامناسب می باشد چونکه این نوع حملات بدون اعتراضات مردم در سراسر جهان صورت میگیرد و قرار معلوم توجهی و یا زمینه ای را که با در نظر داشت آن این حمله را سازمان دادند در جمله انبوه از عوامل دیگر میتوان از یک روایت ساخته شده پرده برداری کرد که این روایت رارسانه های سیاه و سفید در سوریه ساخته و پرداخته اند (یعنی که ویدیوی از آنرا صحنه سازی کرده اند که در آن اشخاص را به گاز و یا بامواد شیمیایی مسموم ساخته اند و بعداً تصویر آنرا از طریق رسانه ها پخش کرده اند .... **تبصره از مترجم**) و میتوان گفت که مسئله استعمال سلاح های شیمیایی توسط دولت سوریه محضاً یک اتهام و یا یک روایت جعلی و ساختگی است تا جایکه غرب در جعل سازی مهارت طولانی دارد ( **تهمت زنی غرب را به ارتباط داشتن سلاح های کشتار جمعی در عراق بیاد آورید که بخاطر حمله بر عراق چه نوع روایت سازی و داستان سازی کردند که فراموش هیچ کس نخواهد شد... تبصره از مترجم** ) بخصوص که فرانسه از سالیان متمادی وجوه مالی را در اختیار رسانه های مزدور برای پوشش خبر های جعلی شورشیان و مخالفان و تروریست های ضد دولت سوریه را در داخل قلمرو سوریه گذاشته است .

باید خاطر نشان ساخت که ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای عضو پیمان «ناتو» مجموعه از تلاشهای شان را از جمله تامین روابط باعامه ، کمک مادی و معنوی و اطلاعاتی به سازمانهای جعلی تحت نام رساندن کمک های «بشر دوستانه» به کلاه سفیدان «منظور از کارمندان صحنه» تنها در مناطق تحت کنترل شورشیان ، مخالفان و تروریستها در سوریه انجام داده است. غرب در سوریه عمدتاً با جبهه النصره وابسته به تروریست های القاعده کمک کرده و کمک مینماید تا جایکه منسوبین این سازمان با داشتن کلاه های خاکستری بر سر ، اکت و عمال و تصاویر هالیوودی ها را ارایه میدهند . که هدف شان خلق کردن انگیزه برای دخالت خارجی میباشد( مانند دفاع و یا جانبداری

از ایجاد منطقه پرواز ممنوع و .....) لذا میتوان گفت که غرب در دوماه (Douma) برای برآورده شدن اهداف خود از کلاه سفیدان استفاده نموده است که با کاربردی رسانی های غربی بطورگسترده (اما اغلباً کور کورانه) کارسازی شده است و بخصوص که برای این حمله اخیر شواهد جعلی را توسط همین رسانه های مزدور بهانه سازی کرد و البته که این نوع صحنه سازی های جعلی و این بازی های حقه بازی برای بار اول نیست که از طرف غرب کارسازی میشود بلکه این نوع صحنه سازی ها در سرشت غرب نهفته است .

**10-** در مجموع شیوه یکنواختی، در دیدگاهها، عدم تایید و یا فقدان یک منبع موثق تاییدی، نشر اخبار جعلی از سال (2011)، تقسیم سیستماتیک جرم و گناه و ساده سازی و سهل نشان دادن اوضاع سوریه و خاورمیانه بعنوان یک منطقه جنگ به آسانی نشان دهنده کمترین میزان از پوشش اخبار رسانه ای رسمی، حرفه ای در زمان های اخیر میتواند باشد جاگزینی دیگر قابل توجه بویژه از نظر ارتش و جنگ تشدید در نظر نگرفتن بدیل و یا الترناتیف ها است از قبیل حقوق بین الملل، حل منازعات و صلح چشم انداز بر جنگ های پیشین و .....

**11-** در نهایت و مهمتر از همه چنین به نظر میرسد که غرب به هیچ از یک استراتژی بلند مدت خود برای مقابله با بحران سوریه و یا خاور میانه دست نیافته است . بلکه در عوض آن حالت نوسانی را باروش از یک افراط گرایی به افراط گرایی دیگر اختیار نموده است. در یک زمان تروریست ها را حمایت و پشتیبانی کرده و در زمان دیگری با خود تعهد سپرده که تروریست ها را نابود کند؛ یک روز اعلام می کند که ریس جمهور «بشرالاسد» بهترین محافظ در برابر تروریست ها است ولی بعداً بخاطر سقوط و سرنگونی دولت او دست بکار میشود؛ یک روز در پی اثبات و نشان دادن دخالت متحدان خاورمیانه در عملیات های تروریستی در سوریه و فراتر از آن است و روز بعد آنها را با همان دیکتاتورهای معرفی میکنند که از تروریست ها حمایت میکنند یعنی که در مورد آنها استقرار ثابت فکری ندارند- بالاتر از همه غربی ها هیچ برنامه ای در مورد آنکه اگر احیاناً دولت کنونی سوریه را سرنگون کنند بدیل و یا جاگزینی بر آن ندارند و همچنان آیا رقیب های متضاد و مخالف که غرب از آنها حمایت میکنند در صورتیکه زمام امور را در سوریه بدست گیرند آیا قادر به ایجاد صلح خواهند بود یا اینکه این مسئله فقط مشکل کنونی را تشدید خواهد کرد و باعث تروریسم بیشتر در منطقه خواهد شد؟.

گسترش این درگیری در بقیه کشورهای خاور میانه چی پیامدهای در بر خواهد داشت؟ و چگونه جهان و بویژه اروپا به نسبت عواقب بی ثبات بیشتر در منطقه و بیجا شدن میلیون ها آواره و پناهنده در کشورهای شان راه حل و مناسب را جستجو خواهد کرد و یا چسان این مشکل ناخواسته را از جلو راه خود خواهند برداشت .

این و همانند این؛ سوالات دیگری نیز وجود دارد که از اهمیت فوق العاده استراتژیک برخوردار است که به نسبت شدت در عجله به گزینه جنگ و خون ریزی مستلزم پاسخ های ضروری می باشد.

بطور خلاصه با یاد اذعان کرد که ما نمیدانیم که در دوماه (Douma) دقیقاً چه چیزی اتفاق افتاده و یا تا این مرحله چه چیزی به انجام رسیده است - تنها عاملان و یا عاملین که در آنجا چه کرده اند و یا چه عملی را انجام داده اند خودشان میدانند؟ اما صرف نظر از هرگونه قضاوت در مورد اینکه در دوماه چه کسی و یا چه کسانی مرتکب جنایت شده اند - ما همکاران بنیاد بین المللی صلح و پژوهشگران آینده (TFF) عامل متجاوزین را در دوماه شدیداً محکوم میکنیم - چونکه ما همیشه هر حمله با مواد شیمیایی را در هر کجا که مورد استفاده از طرف هر کس قرار گرفته باشد و یا قرار بگیرد و زمانیکه ما از آن آگاهی حاصل نمایم عاملان آنرا شدیداً محکوم میکنیم و محکوم کرده ایم.

بی تردید میتوان گفت که این حملات ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه به شدت خطر وقوع احتمالی جنگ عمده و بزرگی را بوجود می آورد که بر اساس هیچ اصل و قاعده قانونی استوار نبوده و نیست و اصلاً یک برخورد ضد اخلاقی بوده که هیچگونه مشروعیتی هم ندارد.

در عین زمان ما همکاران بنیاد بین المللی صلح و پژوهشگران آینده (TFF) هرگونه اقدام عاجل نظامی به درگیری جنگ را قبل از هرگونه تحقیق و شناسایی نشدن عامل و یا عوامل موضوع مورد مناقشه در بین طرف های درگیر را محکوم میکنیم و ما به این باور هستیم که هر اقدام نظامی بدون کدام دلیل مقنع نشان میدهد که عاملین برخورد نظامی به کمبود قدرت فکری و اخلاقی و دیپلماتیکی مصاب و مبتلا هستند.

ما خواهان یک نشست فوری رهبران کشورهای درگیر در قضایای کنونی در سوریه از جمله شامل تمام کشورهای منطقه برای یافتن یک راه حل صلح آمیز و یا پدیدار بخاطر از بین بردن این فاجعه وحشتناک هستیم. که باید به ادامه خصومت ها نقطه ای پایانی گذاشته شود و اجازه داده شود که در تحت ما موریت صلح ملل متحد زمینه ای برای برگذاری انتخابات در تحت نظارت سازمان ملل متحد آماده شود تا بعد از مینه بازگشت مهاجران بخانه های شان مساعد گردد.

مطمیناً میتوان گفت که شرایط باید مورد بحث قرار گیرد ولی در اینجا جای تردید نیست که بخاطر دریافت راه حل نیاز به زمان و نیاز با برخی از رویکردهای اساساً جدید مبتنی بر درک درست از عوامل درگیری های اساسی از یکطرف و دادن کاهش به ابزار نظامی از طرف دیگر می باشد. که با این برخورد میتوان امیدوار شد که راه برای صلح باز میشود.

اکنون برای همه باید روشن شده باشد که پس از سپری شدن مدت هفت سال جنگ

وخونریزی وحشتناک راه صلح واقعی ویا بیرون رفت از این جنگ وجدال در سوریه راه ویا گزینه ای نظامی نیست بلکه راه صلح واقعی بخاطر پایان دادن به این جنگ وخونریزی - دانش ، تحمل ، دیالوگ ، مذاکره ، صداقت وهمچنین اراده کامل سیاسی است وبس.

این حملات درمورد منازعات غم انگیز واستثنایی در واقعیت بی اعتنائی به قوانین وحقوق بین الملل ، فساد اخلاقی ، فریب و خدعه و خلع سلاح کامل فکری است که مواد خام خشونت را رشد میدهد.

جهان باید قبل از اینکه خیلی دیر شود باید به این نوع سیاست های محیلانه وغیرمسولانه ای حلقه های فتنه انگیز وشرر پیشه نقطه ای پایانی گذارد وجلو هرنوع اقدام نظامی عجولانه وخودسرانه وغیرمسولانه نظیر این اقدام نظامی را باید سد شود . چونکه همچو سیاست ها ویا همچو اقدامات تنها چیزی بد وبدتر به همه طرف ها بخصوص برای مردم سوریه میباشد . - شهروندان بی گناه تنها کسانی هستند که ما همکاران بنیاد بین المللی صلح وپژوهشگران آینده درکنار آنها ایستاده ایم ، آنچنانیکه ما در اینجا در تمام موارد دیگر در طی سه دهه گذشته درگیر آن بودیم .

بهر صورت این حمله باید بگونه درس عبرت وبرای یادگیری دانش مدنی سازنده باشد وآن به این معنی که این یک چه نوع اقدام غلط واشتباه آمیز نظامی بود که بدون تجزیه وتحلیل جوانب موضوع وملاحظات اخلاقی وبدون در نظر داشت فیصله ومجوز سازمان ملل متحد وموازنین وقوانین پذیرفته شده ای بین المللی صورت گرفت . لذا جهان باید از همین اکنون باهم متحد شوند وتلاش های خود را دریافتن راه های حل مسالمت آمیز برای توقف این درگیری ودراگیری های مانند آن بکار اندازند وطبق مقررات منشور سازمان ملل متحد که میگوید صلح باید با بکار بردن افزار صلح برقرار شود .

-----  
**با تقدیم سلام ها «2018-04-17»**